

پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی

سال چهارم، شماره پیاپی ۱۰، شماره دوم، پاییز ۱۳۹۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۷/۲۲

صص ۶۸-۴۹

## بررسی تجارب زیسته زنان روسپی (مورد مطالعه: شهرهای یزد و اصفهان)

علی ربانی خوراسگانی، دانشیار، گروه علوم اجتماعی دانشگاه اصفهان، ایران

فرزانه قانع عزآبادی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران\*

### چکیده

روسپیگری پدیده‌ای بسیار پیچیده، چندبعدی، ناآشکار و تودرتوست که در جامعه ما به لایه‌های زیرین خزیده و به صورت گسترده در زیر لایه‌های عمیق نفس می‌کشد و به زیست خود ادامه می‌دهد. بدین گونه است که به ویژه در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود معطوف نموده و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را جهت مهار و کنترل به تکاپو واداشته است. تلاشی که تنها زمانی مثمرتر واقع می‌گردد که شناختی صحیح و عمیق از این آسیب اجتماعی حاصل شده باشد. هدف این پژوهش رسوخ به بطن دنیای زنان روسپی و دست یافتن به واقعیت ملموس تجربه زیسته آنان است به همین منظور با روش پدیدارشناسی سبک زندگی زنان روسپی با دیدی درون‌نگر بررسی شد. روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ابزار گردآوری اطلاعات مصاحبه عمیق و حجم نمونه ۱۱ زن روسپی بودند. نتایج حاکی از درگیر شدن افرادی از قشرهای گوناگون جامعه در این پدیده است که این اختلاط و آمیختگی بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید. سبک زندگی بسیار متفاوت زنان روسپی، نوع متفاوت نگرش آنان به نیازهای زیستی، روابط اجتماعی و اعتقادات مذهبی، انحرافات جنسی‌ای که به طور روزمره تجربه می‌کنند و داغ‌ننگی که به واسطه این نوع سبک زندگی بر پیشانی‌شان نقش بسته از جمله مواردی است که از تجربه زیسته زنان روسپی جدا نماندنی است. نقش شگرف خانواده در ورود و پیشروی زنان در وادی روسپیگری تلفیقی از نظریه کنترل هیرشی و پیوند افتراقی ساترلند و کرسی را به تأیید نشانند. رد پای از متقاضیان زنان روسپی نیز در این پژوهش اختصار بررسی شد.

**کلیدواژه‌ها:** روسپیگری، پدیدارشناسی، تجارب زیسته، نظریه کنترل، پیوند افتراقی

Email: f.ghanee@gmail.com

\* نویسنده مسؤول: ۰۹۱۳۲۷۴۲۶۱۲

Copyright©2016, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they can't change it in any way or use it commercially.

## مقدمه و بیان مسأله

روسپیگری فروش تن است در ازای پول یا مواد مخدر یا دارو (Monto, 2004: 162) و به عبارتی برآوردن خواهش‌های جسمانی در برابر پاداش‌های مالی می‌باشد (سیفی، ۱۳۸۶: ۲). پدیده‌ای که وجود دلایل متعدد و چندگانه شیوع، زیست متفاوت و گاه پنهان اما گسترده، جدال بر سر قانونی یا غیرقانونی بودن، مجرم یا قربانی بودن روسپی و قدم نهادن این پدیده به عرصه تجارت و ظهور صنعت سکس به عنوان سومین صنعت سودآور جهان تنها اندک نشانه‌هایی از پیچیدگی ابهام‌آور این مسأله می‌باشد. پدیده‌ای که به تعبیر ژرژگورویچ یک پدیده اجتماعی تام می‌باشد که دارای لایه‌ها، افشار و سطوح متعدد (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۸۶: ۴) و توأم با بهره‌کشی جنسی و تحقیر زن است (مهاجر، ۱۳۸۰: ۳۲) که اقدام به قانونی کردن آن مردان را با این پیام مواجه می‌سازد که زنان کالاهای جنسی هستند و روسپیگری یکی از سرگرمی‌های بدون ضرر برای مردان است (جی.ریموند، ۱۳۸۷: ۲۶).

روسپیگری مبادله‌ایست که آن را مبتنی بر رضایت روسپی دانسته‌اند، مبادله‌ای که به عنوان رفتار جنسی توافقی بزرگسالان تعریف می‌شود و این‌گونه از مفهوم تجاوز مجزا می‌گردد. اما آن‌چه در این تعریف از آن غفلت می‌شود این است که این رضایت ممکن است به دلیل اوضاع وخیم اقتصادی، اعتیاد و ترس از یکی از والدین یا واسطه‌ها ایجاد شده باشد. به علاوه این‌که درصد قابل توجهی از روسپیان قبل از ورود به وادی روسپیگری تجربه سخت خشونت فیزیکی و آزار جنسی را داشته‌اند. بنابراین تنها درصدی از روسپیگری می‌تواند مبتنی بر رضایت باشد. در دیدی واقع بینانه‌تر روسپیگری در میان تنوعی از زمینه‌های اجتماعی پدید می‌آید (Monto, 2004: 162). پینس و سیلبرت (۱۹۸۲) از دو گونه متمایز روسپیگری سخن گفتند: اولین نوع جوانانی از خانواده‌هایی با درآمدهای متوسط به بالا که طعم تلخ آزار فیزیکی، جنسی و احساسی را تجربه کرده‌اند و برای فرار از آزار و تجاوز و به فراموشی سپردن خاطراتی تلخ در وادی

روسپیگری غرق شدند و گروه دوم افرادی هستند با پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی پایین، آلوده به اعتیاد و یا سابقه جرم و خلاف که به دلیل فشارهای اقتصادی و یا فشار شبکه‌های اجتماعی منحرف وارد روسپیگری می‌شوند (Roe-Sepowitz, 2012:562). با این تعاریف روسپیگری ریشه‌ای عمیق در دل زندگی اجتماعی، روان‌شناختی، سیاسی و اقتصادی دارد و یکی از لغزنده‌ترین پدیده‌هایی است که کنترل قانونی نفوذ چندانی بر آن ندارد (Liu, 2012:327). روسپیگری هم معلول مشکلات اجتماعی نظیر مهاجرت، بیکاری، حاشیه‌نشینی، فقر، عدم امکان ازدواج، مصرف‌گرایی، سطح تحصیلات پایین، خانواده از هم گسیخته، ضعف باورهای مذهبی و غیره است و هم خود به مشکلات اجتماعی نظیر سرقت، طلاق، اعتیاد به مواد مخدر، حتی قتل و بسیاری از آسیب‌های دیگر می‌انجامد.

بدین ترتیب روسپیگری پدیده‌ای بسیار پیچیده، چندبعدی، ناآشکار و تودرتوست که در جامعه ما به لایه‌های زیرین خزیده و به صورت گسترده در زیر لایه‌های عمیق نفس می‌کشد و به زیست خود به صورت قوی ادامه می‌دهد. پایین آمدن سن ورود به روسپیگری و مواجه شدن با روسپیان کودک و نوجوان و خطرناکی این سبک زندگی با پیوند جدایی‌ناپذیرش با بیماری‌هایی چون ایدز و حضور پررنگش به عنوان معضل اجتماعی که راهی برای انکار باقی نگذاشته، به ویژه در سال‌های اخیر توجه زیادی را به خود معطوف نموده و سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و اجتماعی را جهت مهار و کنترل به تکاپو واداشته است. تلاشی که تنها زمانی مثمر واقع می‌گردد که شناختی صحیح از این آسیب اجتماعی حاصل شده باشد. اگرچه تلاش‌های زیادی جهت نائل شدن به این شناخت انجام شده اما این پدیده همچنان دارای ریشه‌های ناشناخته‌ایست که مانع از ثمربخشی تلاش‌ها می‌گردد. در این راستا هدف پژوهش حاضر فرارفتن از نگاه سطحی و برون‌نگر نسبت به این پدیده و تلاش برای رسوخ به بطن زندگی زنان ویژه در پرتو دیدی عمیق و درون‌نگر

است بدین گونه که درکی ژرف از واقعیت ناب زندگی و شرایط آنان و به عبارتی تجارب زیسته زنان روسپی نائل شود.

۱۳۴۹). عدم درک صحیح از بسیاری از پدیده‌های مدرنیته و استفاده ناصحیح از رسانه‌ها و همچنین غفلت از ریشه‌یابی عمیق و درمان روحی و روانی زنان آسیب دیده باعث شد این آسیب به شکلی زیرزمینی و گسترده قشرهای گوناگون جامعه را درگیر کند به گونه‌ای که سن روسپیگری به ۱۳ سال رسیده است (حاجی‌زاده میمندی، ۱۳۸۶: ۱۵). عمیق شدن این آسیب توجه پژوهش‌هایی را به خود وا داشته است که در ذیل به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌گردد:

محمد آشوری و اکبر وروایی تحقیقی با عنوان «خانواده و روسپیان خیابانی» بین سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵ در قلمرو مکانی شهر تهران، شهرستان‌های شمیرانات و شهر ری، با مورد بررسی قرار دادن ۵۱۲ زن روسپی خیابانی به انجام رسانیدند. نتایج نشان داد بین سن شروع روسپیگری و هر یک از متغیرهای مستقل هشتگانه تحقیق شامل بعد خانوار، ساخت خانواده، نظام اخلاقی خانواده، وجود تعارض و تشنج در خانواده، ارضای نیازها در خانواده، نظارت و کنترل خانواده، وجود اعتیاد در خانواده، میزان پایبندی مذهبی در خانواده رابطه معناداری وجود دارد.

در پژوهشی با عنوان «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر گرایش به ناهنجاری اجتماعی و راهکارهای انتظامی-اجتماعی پیشگیری از آن (مطالعه موردی: روسپیگری خیابانی) توسط اکبر و روایی و همکاران، ۵۱۲ زن روسپی خیابانی تهران بزرگ را به بررسی درآورد، یافته‌ها نشان داد که میانگین سن شروع روسپیگری ۱۹ سالگی است که اولین تجربه جنسی نامشروع، آثار مهمی بر گرایش آنان به این حرفه را فراهم کرده است. لذت جنسی و کسب ثروت عامل اصلی گرایش روسپیان به روسپیگری نبوده، بلکه وضعیت مالی بسیار بد روسپیان، بی‌شغلی یا شغل نامناسب، بی‌سرپرستی یا بدسرپرستی، وضعیت اقتصادی بسیار بد همسران و والدین آنان از یکسو، تمکن مالی خوب و بسیار خوب متقاضیان مناطق شمال تهران بزرگ از سوی دیگر، شرایط را برای روسپیگری مهیا کرده است، لذا روسپیگری خیابانی برای

### بررسی پیشینه و چارچوب مفهومی

روسپیگری پدیده‌ای است که در هر ورق تاریخ در بسیاری از جوامع به اشکال مختلف حضور داشته است و همچون بسیاری از پدیده‌های دیگر تغییراتی را از سر گذرانیده و حیات خویش را تاکنون حفظ کرده است. شیوه‌های گوناگونی چون روسپیگری مذهبی که در دوره باستان در کشورهای نظیر مصر، هند، یونان، ژاپن و ایران رایج بود. بدین ترتیب زنان در معابد به ارائه خدمات جنسی می‌پرداختند. با شکل‌گیری نظام شهری روسپیگری در بافت شهری متمرکز شد. در اواخر قرن پانزدهم برخورد با روسپی‌ها شدت گرفت و سیاستی اتخاذ شد که روسپیان باید ظاهر متفاوتی از سایر زنان داشته باشند تا در جامعه قابل شناسایی باشند، از ته زدن مو، به رنگ قرمز درآوردن موها و حتی ممانعت از حضور در عرصه‌های عمومی از جمله این اقدامات بود. از قرن هجدهم روسپیگری تغییر و تحولات خود را آغاز کرد. حضور روسپیان پذیرفته شد و مسائل بهداشتی آنان مورد توجه قرار گرفت. در قرن نوزدهم بحث قانونی شدن روسپیگری باب و در بعضی کشورها اجرا شد و امروزه روسپیگری یکی از سودآورترین صنعت‌های جهان است (سیفی، ۱۳۸۶: ۶-۲). به گونه‌ای که مسائل جنسی به گونه‌ای جدی آلت دست استثمارگران جنسی تجاری شده است و کسانی چون واسطه‌ها که از فروش کودکان و نوجوانان نابالغ جهت روابط جنسی سود می‌برند در یک بازار جهانی اقدام به مبادله دختران و زنان می‌کنند (Mitchell & Colleguse, 2010:18).

در ایران نیز روسپیگری پس از طی فراز و نشیب‌های گوناگون و گذران اشکال مختلف به حیات خود ادامه می‌دهد. قبل از انقلاب می‌توان از ۵ نوع روسپیگری فعال نام برد: روسپیان قلعه شهرنو، روسپیان تفریح‌گاه‌های شبانه، روسپیان خیابانی، روسپیان منازل و روسپیان گودنشین (فرمانفرمائی،

آزار قرار گرفتن توسط همسر، آزار جنسی و مرگ یکی از والدین یا همسر از دلایل اصلی ورود به روسپیگری بوده است.

«زنان مهاجر چینی در صنعت سکس: بررسی مسیر ورود آن‌ها» عنوان تحقیقی است که ليو (۲۰۱۲) به انجام رسانیده است. وی ۴۰ زن روسپی از مکان‌های مختلفی چون خیابان‌ها، سالن‌های زیبایی، سالن‌های ماساژ و سونا، کلوب‌های شبانه و کاباره‌ها را مورد مصاحبه عمیق قرار داد. در این مطالعه شرکت‌کنندگان در محدوده سنی ۳۹-۱۸ سال بودند و میانگین سنی آنان ۲۳،۶ سال بود. ۳۴ نفر از آنان در گروه سنی ۳۰-۱۸ سال بودند. ۳۷ نفر متعلق به مناطق روستایی و ۳۰ زن مجرد، ۵ نفر متأهل و ۴ نفر نیز مطلقه بودند. بررسی ویژگی‌های زنان و زندگی آنان در کودکی نشان داد که آن‌ها از خانواده‌های طبقه پایین و فقیر بودند. والدین آنان عمدتاً کشاورز، کارگران مهاجر و کارگران کارخانه‌ها بودند. در این مطالعه ارتباطی بین روسپیگری و خشونت خانگی، تجاوز و روابط منفی با والدین کشف نشد. اگرچه بعضی از زنان قبل از مهاجرت زندگی سختی داشتند اما در خانواده‌هایی نسبتاً باثبات رشد کرده بودند. زنان این مطالعه اظهار داشتند که روسپیگری به هیچ وجه انتخاب اول آن‌ها نبوده است. ۳۸ زن قبل از درگیر شدن در روسپیگری در بخش‌های مختلف مشروع کار می‌کردند و ۲ نفر خانه‌دار بودند، ولی به دلیل تحصیلات و مهارت‌های پایین، شغل‌های این زنان کم درآمد و سطح پایین بود. این مطالعه درگیر شدن زنان در روسپیگری را راه حل آنان در برابر شرایط بد اقتصادی می‌داند.

از آن‌جا که در انحرافات اجتماعی همچون کلاف سردرگمی عوامل متعددی به هم گره خورده‌اند تا وضعیتی این‌چنین پدید آورده‌اند توجه به رویکردهای مختلفی که هر کدام از دریچه نگاه خویش به پدیده نگریسته‌اند شناخت کامل‌تری حاصل می‌کند. یکی از این رویکردها رویکرد ساختی است. در این رویکرد هنجارها نموده‌های عملی و تفصیلی ارزش‌ها و اهداف مبتنی بر آن به حساب می‌آید و

روسپیان به عنوان یک حرفه تلقی می‌شود که برای گذراندن زندگی معیشتی خود یا خانواده خود، فعالیت می‌نمایند. نتایج این پژوهش عامل اقتصادی را دارای بیشترین قدرت تأثیرگذاری بر گرایش پاسخگویان به حرفه روسپیگری می‌داند.

«تأثیر عوامل اجتماعی بر گرایش افراد به اعتیاد، سرقت و روسپیگری» عنوان پژوهشی دیگر است که توسط سیدحمیدرضا علوی (۱۳۸۹) در شهر کرمان صورت گرفته است. روش انجام این تحقیق از نوع علی-مقایسه‌ای بوده که ۱۰۰ فرد عادی و ۲۰۰ فرد با سابقه اعتیاد، سرقت و روسپیگری در زندان کرمان توسط پرسشنامه مورد مطالعه قرار گرفتند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که افراد با سابقه روسپیگری و انحرافات جنسی نسبت به افراد عادی زمان بیشتری به تفریح و گردش با دوستان اختصاص می‌دهند و وضعیت دوستان و خویشاوندان آن‌ها به لحاظ اخلاقی و دینی نامناسب‌تر است.

پژوهشی با عنوان «یک مطالعه کیفی بر زنان روسپی در هند: نقش خانواده و آشنایان» توسط کاراندیکار در سال ۲۰۱۱، ۴۸ زن روسپی از بمبئی را با هدف بررسی تجارب مربوط به ورود آنان به حرفه روسپیگری و نقش خانواده و دوستان در این زمینه مورد مصاحبه قرار داد. میانگین سن مصاحبه شوندگان ۳۵،۰۷ سال بود و جوان‌ترین پاسخگو ۲۰ و مسن‌ترین ۶۰ سال سن داشتند. حدود نیمی از پاسخگویان از مناطق روستایی جنوب هند و متعلق به خانواده‌های طبقه پایین بودند، اکثر پاسخگویان بی‌سواد و برخی فقط می‌توانستند نام خود را بنویسند. اکثریت آنان روسپی خیابانی بودند و هنگام جذب مشتری اتاقی در فاحشه‌خانه اجاره و مبلغی از درآمد خود را به صاحب آن می‌دادند. بسیاری از پاسخگویان ۳ مشتری در هر روز داشتند ولی در کل طیف به دست آمده از ۷ تا ۱۷ مشتری متغیر بود. سن ورود به روسپیگری در ۱۶،۶۳ درصد آن‌ها کم‌تر از ۱۸ سال و ۲۳،۶ درصد بالای ۱۸ سال و ۱۳،۱۶ درصد نامعلوم می‌باشد. اکثریت این زنان هندو و مسلمان بودند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که فقر، مورد

خویش به راه‌های غیرقانونی چون روسپیگری روی آورند و بدین ترتیب پای‌بندی خود را نسبت به ارزش‌ها و اهداف جامعه یعنی ثروتمند شدن حفظ کرده ولی آن را از طریق ابزارهای تأیید نشده جستجو کنند (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

جامعه‌شناسان مارکسیسم و نومارکسیسم ادعا می‌کنند که جرم نتیجه تعدی طبقات بالای جامعه به طبقات پایین است (احمدی، ۱۳۷۸: ۸). به زعم این نظریه وجود تضادهای گسترده در جامعه و طبقاتی شدن انسان‌ها باعث می‌شود تا افراد طبقه پایین دچار از خودبیگانگی شوند و از خودبیگانگی که به معنای احساس از دست دادن کنترل بر زندگی اجتماعی است، احتمال قانون‌گریزانه را برای فرد فراهم می‌آورد که به طور جبری انجام می‌شود. از نظر مارکس در چنین فرایندی افراد فقیری که دچار از خودبیگانگی می‌شوند به احساس پوچی، بی‌قدرتی، بیزاری از خود، بی‌اعتمادی و خشونت می‌رسند که پیامد چنین وضعیتی باعث اخلاق‌زدایی و بی‌توجهی به ارزش‌های هنجاریبخش جامعه می‌شود. لذا از این زاویه مشکلات اجتماعی به دلیل توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت به وجود می‌آیند و با ساختار طبقاتی و سیاسی جامعه ارتباط بسیار نزدیکی دارند و لذا در تحمیل مشکلات اجتماعی به جای سرزنش قربانی باید به نقد اجتماعی پرداخت (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۳).

فمینیست‌های مارکسیست تبعیض جنسی و ستم‌دیدی زنان در صحنه‌های مختلف زندگی اجتماعی پایه استدلال در تبیین جرم‌شناسی جرایم ارتكابی زنان قرار می‌دهند (ورویی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۰). آنان استدلال می‌کنند در نظام سرمایه‌داری زنان به‌خاطر کار در خانه دارای ممر درآمد مستقل نیستند، شغل و حرفه‌ای ندارند پس استقلال مالی ندارند و متکی به مرد هستند. آنان جزء متعلقات مرد هستند و قسمتی از دارایی مرد محسوب می‌شوند (نرسیسیانس، ۱۳۸۳: ۱۳۸). بدین ترتیب زنان در خدمت آنان و نیازهای جنسی‌شان هستند (ورویی و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۰). با کنترل اقتصادی و بیولوژیکی زنان توسط مردان، زن در حاشیه قرار می‌گیرد و مرتکب جرایمی می‌شود

کجروی نیز نقض‌کننده آن هنجارهاست. به عبارت دیگر آسیبی است که در بستر تعامل موجود میان اجزای نظام اجتماعی ایجاد می‌شود و ثبات آن را به خطر می‌اندازد. از صاحب‌نظران این نگرش دورکیم و مرتون هستند (سلیمی و داوری، ۱۳۸۵: ۱۸۱).

دورکیم نوسانات شرایط اقتصادی را یکی از علل مهم کجروی می‌داند بدین‌گونه که در زمان بحران و کساد، فقر و بیکاری افزایش می‌یابد و از دلگرمی افراد کاسته شده و روحیه آنان تضعیف می‌گردد. با کاهش میزان درآمد و سستی بنیان اقتصادی جوامع جرائمی چون روسپیگری، پریشانی‌های روانی، ناسازگاری‌های خانوادگی افزایش می‌یابد. توسعه اقتصادی نیز با افزایش مصرف الکل، قماربازی، روابط جنسی نامشروع و خوشگذرانی‌های افراطی همراه است (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۲۳). کوئینگ در تکمیل نظریه دورکیم چنین می‌گوید: فقر به‌تنهایی یک عامل ثبات‌بخش است، اما اگر در مقابل تصویر ثروت و یا آرزوهای بلندپروازانه رفاه‌ارائه شوند، در آن صورت فقر غیرقابل تحمل می‌شود و در آن صورت رفتارهای انحرافی و نارضایتی اجتماعی رشد می‌کند. بنابراین رواج لوکس‌گرایی بی‌پشتوانه در سال‌های اخیر در ایران می‌تواند به عنوان یکی از ریشه‌های این پدیده مطرح گردد. اختلاف طبقاتی موجود در ایران در کنار اراده‌ای که برای ایجاد انگیزه در کسب رفاه اجتماعی تلاش می‌کند، موجب می‌شود تا برخی از زنان انگیزه خود را از طریق فروش تن به عمل تبدیل کنند (دادخواه، ۱۳۸۴: ۴-۳).

بر اساس نظریه مرتون، جامعه‌ای که تأکید زیادی بر موفقیت مادی دارد ثروت به عنوان یک هدف فرهنگی و اجتماعی شناخته می‌شود و از آن‌جا که قشر کوچکی از جامعه دسترسی گسترده‌ای به امکانات و اهداف مالی دارند و قشر وسیع‌تر دسترسی ناچیز، برای گروه مردم ابزار و اهداف با هم منطبق نیستند. این گروه هدف را مطلوب می‌دانند ولی امکان دسترسی بدان را ندارند (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۱-۷۰). در این صورت امکان دارد برخی افراد جهت رسیدن به اهداف

این رفتار را بر اثر کنش و تعامل متقابل با دیگرانی با هم‌بین رفتار آموخته‌اند. به عبارتی راه روسپیگری برای کسانی که با این قبیل افراد پیوند اجتماعی می‌یابند، برای مثال در بین دوستان و آشنایان، یا در یک محله یا محل کار و تحصیل با آن‌ها تماس پیدا کنند و به عبارتی تعامل نزدیک و مداومی برقرار کنند، هموارتر است.

### روش

پیشگیری پدیده‌ای چون روسپیگری ایجاب می‌کند جهت شناخت دقیق آن و دستیابی به واقعیت تجارب زیسته زنان روسپی از روش پدیدارشناختی استفاده کنیم. یعنی روشی که درصدد درک لایه‌های عمیق معنایی تجربه‌های زیسته برخی افراد درباره یک مفهوم و پدیده است. هدف تحلیل پدیدارشناختی، درک و استخراج معنای ذاتی موجود در پدیدار یا ذات پدیده مورد مطالعه است (محمدپور، ۱۳۹۰: ۸۶).

به دلیل زیست پنهان پدیده و تابو بودن آن به دلیل ارزش‌های اخلاقی و شرعی جاری در جامعه برای انتخاب پاسخگویان از روش نمونه‌گیری گلوله برفی استفاده گردید که ۱۱ زن روسپی خیابانی در شهرهای یزد و اصفهان مورد بررسی قرار گرفتند. از آن‌جا که رسوخ به محیط زندگی زنان روسپی یعنی زندگی در کنار آنان به دلیل مخاطره‌آمیز بودن به هیچ عنوان ممکن نبود، یکی از محققان با بازی کردن نقش فردی از جنس آنان و القای این هدف که قصد گرفتن راهنمایی از آنان (در ازای پرداخت مبلغی پول) را دارد، قرارهای ملاقاتی با آنان ترتیب داده می‌شد و در قالب گفتگویی دوستانه به اطلاعات دسته یافته شد. در برخی پاسخگویان که شرایط مهیا بود با جلب اعتماد آنان، از مصاحبه عمیق استفاده گردید. قابل ذکر این‌که این پژوهش ۲ سال (۱۳۹۲-۱۳۹۴) به طول انجامید.

جهت تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری مرحله‌ای استفاده شد. کدگذاری فرایندی است که طی آن محقق به جداسازی، مفهوم‌بندی و ادغام یکپارچه‌سازی داده‌ها می‌پردازد. بدین

که نیاز به سلطه مردانه دارد و به جرایم خیابانی سوق داده می‌شوند. زیرا سرمایه‌داری آنان را به فقر می‌کشاند، لذا این زنان به ارتکاب جرایمی با شدت کمتر بدون خشونت و جرایمی که شخصیت خود آن‌ها را نابود می‌کند مانند فحشا مجبور می‌کنند (ولد و دیگران، ۱۳۸۰: ۳۲۷). برخی از فمینیست‌های مارکسیست سرخوردگی و عصبانیت زنان از نقش‌های اجتماعی محدودکننده باعث احساس حرمان و در نتیجه یکی از علت‌های مجرمیت آن‌هاست (ورویای و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۳۰).

دو نظریه عمده‌ای که تا حدی تبیین‌کننده بزهکاری‌اند، عبارتند از: نظریه کنترل هیرشی و نظریه پیوند افتراقی ساترلند و کرسی. این نظریه‌ها، دیدگاهی مبتنی بر رویکرد موقعیتی دارند بر این باورند که نه همه مردم طبقات پایین لزوماً مرتکب رفتار انحرافی می‌شوند و نه همه مردم طبقات اجتماعی دیگر از این رفتار مبرا هستند. نظریه کنترل اجتماعی بر متغیرهای خانوادگی و نقش مؤثر سازمان‌ها و نهادهایی نظیر مدرسه متمرکز می‌باشد. بر این اساس تمرکز بر فرایند اجتماعی شدن و عوامل جامعه‌پذیری نظیر خانواده و تجارب مدرسه در رابطه با رفتار بزهکارانه جوانان از نکات قدرتمند نظریه کنترل اجتماعی است (ورویای و دیگران، ۱۳۸۹: ۹). به عقیده هیرشی انحرافات اجتماعی باید در عرصه خانواده، محله، مدرسه، همالان و سایر ارگان‌ها یا مؤسسات اجتماعی که نوجوان در آن‌ها عضویت دارد بررسی شود، وی معتقد است بزهکاری وقتی اتفاق می‌افتد که قیود فرد نسبت به اجتماع ضعیف شود یا به کلی از بین برود. قیودی که تحت ۴ مفهوم وابستگی، تعهد، درگیر بودن و باورها قرار می‌گیرند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۰-۹).

از نظر ساترلند بر اساس الگوی انتقال فرهنگی، رفتارهای غیرقانونی از طریق کنش متقابل به دیگران آموخته می‌شود (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین نظریه نزدیکان و همالانی که بزهکار باشند تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری می‌گذارند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند (مشکانی و مشکانی، ۱۳۸۱: ۱۱). بر اساس این نظریه زنان روسپی

مرحله انتزاعی تری نسبت به کدهای پیشین قرار دارند، به علاوه این که دارای قدرت تحلیل زیادی هستند و شمول معنایی در حدیست که دیگر مقولات را در خود می گنجاند.

#### یافته‌های پژوهش

نمونه ۱۱ نفری این پژوهش که در راستای هدف کشف واقعیت ناب و پیچیده زندگی زنان روسپی مورد بررسی قرار گرفتند که به لحاظ برخی ویژگی‌های کلی و مشترک قابل تأمل است، جدول ۱ میزان پراکندگی پاسخگویان را براساس سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانواده، و وضعیت سکونت‌شان به لحاظ مستأجرنشین بودن یا سکونت ثابت (صاحب‌خانه بودن) نشان می‌دهد.

ترتیب که پس از مکتوب نمودن کامل اطلاعات ضبط شده تمام جملات سطر به سطر کدبندی شدند، بدین گونه که سعی بر آن شد مفهوم اصلی از دل جملات ابراز شده توسط سوژه‌ها بیرون کشیده شود و در قالب مفهومی تقلیل یافته‌تر بیان شود، در نتیجه ۲۹۸ کد توصیفی حاصل شد. در مرحله بعد محققان با تأملی ژرف در کدهای توصیفی درصدد شناسایی کدهای متداخل و مشابه و مرتبط برآمد و ۵۷ زیر کد تفسیری حاصل شد، در گام بعدی این مفاهیم بر اساس اشتراکات، تشابهات و هم پوشی معنایی در قالب ۱۶ کد تفسیری ادغام شدند، در نهایت در آخرین مرحله کدهای تفسیری به ۴ کد تبیینی تقلیل یافت. کدهای تبیینی یک سری مفاهیم و الگوهای بنیادین معنایی هستند که از طبقه‌بندی و مقوله‌بندی مداوم داده‌ها حاصل شده‌اند. کدهای تبیینی در

جدول ۱- نحوه توزیع افراد نمونه بر حسب سن، تحصیلات، تعداد اعضای خانواده و نوع سکونت

سن	میانگین	حداقل	حداکثر
در زمان انجام مصاحبه	۳۰,۵ سال	۲۱ سال	۴۵ سال
گروه سنی ۲۰-۲۴	۱ نفر		
۲۵-۲۹	۴ نفر		
۳۰-۳۴	۲ نفر		
۳۵-۳۹	۱ نفر		
۴۰-۴۴	۲ نفر		
۴۵-۴۹	۱ نفر		
ابتدایی	۳		
سیکل	۴		
دیپلم	۴		
تعداد اعضای خانواده	میانگین ۶ نفر	حداقل ۵ نفر	حداکثر ۱۱ نفر
وضعیت منزل سکونت	مستأجر	۷ نفر	
	منزل ثابت	۴ نفر	
وضعیت تأهل	مجرد	متأهل	مطلقه
در زمان انجام مصاحبه	۲ نفر	۲ نفر	۷ نفر

نتایج این پژوهش حکایت از سبک زندگی بسیار متفاوت زنان روسپی در مقابل زنانی دارد که زندگی‌شان عاری از انحراف جنسی است. کدی که با توجه به هدف پژوهش جهت دستیابی به واقعیت ملموس تجربه زیسته زنان روسپی بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

مدیریت ظاهر به عنوان یکی از جلوه‌های سبک زندگی در بررسی زنان روسپی نشان از اهمیت بالای بدن به‌ویژه سایز دارد، طبق نظر گافمن انسان‌ها میل به نمایش بدن خود برای تأثیرگذاری بر دیگران دارند، به عبارتی انسان همواره خود را آن گونه که جمع می‌پذیرد، به نمایش می‌گذارد و با توجه به ارزش‌های اجتماعی و ابزارهای موجود سعی می‌کند با توجه و مراقبت بر بدن خود بر دیگران تأثیر بگذارد، همان چیزی که وی آن را مدیریت تأثیرگذاری می‌نامد (Ritzer, 2005). این مفهوم گافمن در این پژوهش چنان مصداق می‌پذیرد که این زنان بدن خویش را به عنوان کالای فروش به گونه‌ای مدیریت می‌کنند که خوشایند متقاضیان باشد (پاسخگویان شماره ۱ و ۲ و ۵ و ۶ و ۷ و ۱۰). تلاش برای زیبا ساختن بدن به عنوان منبع قدرت و درآمد در این طیف از زنان در رقابت با همکارانشان شدت می‌گرفت، چنان‌که تعدادی از پاسخگویان بیان می‌کردند که برای این که نمی‌خواهند از فلائی در جذب مشتری کم بیاورند مجبورند که به سرووضع خود برسند و بدنشان را روی فرم نگه دارند (پاسخگویان شماره ۱ و ۲ و ۷). البته بیان این نکته نیز ضروری است که اکثریت پاسخگویان طبق معیارهای زیبایی از منظر جامعه در رده پایینی قرار دارند اما سعی داشتند که از امکانات موجود جهت ارتقای ظاهر خود به رده بالاتر تمام استفاده را ببرند.

اگرچه نوع لباس افراد به عنوان ابزاری مهم است که موجب شناخته شدن و تشخیص هویت آنان می‌شود به عبارتی لباس هر فرد نشانه‌ای است که به سادگی توسط افراد دیگر رمزگشایی می‌شود و تداعی تعلق فرد به گروه‌های اجتماعی خاص را موجب می‌گردد، ویژگی‌ای که نوع آرایش افراد نیز می‌تواند داشته باشد. ولی آنچه در این پژوهش بدان

نکته جالب توجه آن که افراد مورد بررسی در این پژوهش از سرمایه فرهنگی بالایی به لحاظ تحصیلی برخوردار نبوده و همگی دیپلم به پایین و فاقد تحصیلات دانشگاهی بودند.

وضعیت منزل سکونت نیز مؤلفه قابل تأملی در زندگی زنان روسپی می‌باشد، بدین گونه که اکثریت زنان روسپی در این پژوهش در یک منزل ثابت سکونت نداشته و مستأجرترین بودند، به‌علاوه این که ۶ مورد از پاسخگویان مهاجرانی بودند که از شهرهای دیگر به شهری که پژوهش در آن انجام گرفت مهاجرت کرده و سکنی گزیده بودند. تمایل به ناشناختگی و ترس دستگیر شدن توسط نیروی انتظامی از دلایل این امر می‌باشد که در گفته‌های پاسخگویان مشهود شد:

«خب اوضاع ما که زیاد روبه راه نیست (خنده)، نمی‌تونیم همیشه به جا بمونیم، من خودم مدام خونمو عوض می‌کنم، این جوری بهتره، می‌ترسم کسی راپرت بده، باید حواسمو جمع کنم، فضولن دیگه... (فحش)» (پاسخگوی شماره ۱۰).

«دوست نداریم تو یه محل زیاد بمونیم، وقتی زیاد یه جا باشی به خصوص تو بعضی محله‌ها همسایه‌ها می‌خوان سر از کارت در بیارن هی سؤال می‌پرسن، کجا میری؟ این کی بود؟ اون کی بود؟ ماشین کیه؟ از این پرس و سؤالا دیگه. واسه همین تا جایی که میشه سعی می‌کنیم اصلاً نذاریم کسی سر از کارمون دربیاره که حرف و حدیث پشت سرمون زیاد نشه دردرسر بشه واسمون». (پاسخگوی شماره ۵ و ۶ دوخواهر).

بررسی این زنان منحرف جنسی به دستیابی ۴ کد تبیینی انجامید: (۱) سبک زندگی زنان روسپی، (۲) نقش خانواده، (۳) داغ ننگ، (۴) ویژگی مردان متقاضی که در ادامه به بررسی هریک از کدهای مذکور و ابعاد مختلف آن می‌پردازیم:

### سبک زندگی زنان روسپی



«وقتی حراست دانشگاه بودم مجبور بودم چادر به خودم ببندم ولی الان دیگه راحتم هر جور دلم بخواد میام بیرون» (پاسخگوی شماره ۱).

«به مدتی خیلی مریض شده بودم دیگه داشتم افقی می شدم که دست به دامن خدا شدیم و توبه کردیم و گفتیم شفا بده ما دیگه دور نامحرمو خط می کشیم. خوریم شدم اما یه ماه شد و نشد زدم زیر قولم، ترکش از تریاکم سخت تره» (پاسخگوی شماره ۳).

«چندبار نزدیک بود جلو شوهرم رسوا بشم بابت رابطه با داییم، نذر کردم به خیر گذشت» (پاسخگوی شماره ۸).

روابط و تعاملات اجتماعی پایه‌ای حذف ناشدنی از زندگی اجتماعی ما هستند که نگاه ابزاری و منفعت طلبانه به آن می‌تواند روابط انسانی را خدشه‌دار و زلالی آن را کدر سازد. نگاه زنان روسپی مورد بررسی به روابط برون گروهی فراتر از خانواده خویش، عاری از دل‌بستگی عاطفی و صرفاً بر مبنای منفعت طلبی اقتصادی می‌باشد. آنان از هر موقعیتی جهت بهره‌برداری و استفاده و حتی سوء استفاده برای بهبود وضعیت و رفع مشکلات خویش سود می‌جویند. نگرشی که کارکردی بسیار منفی در روابط اجتماعی خواهد داشت. استفاده از عباراتی چون خرمهره، خر پول، کله گنده، کلفت، دوشیدن، کشیدن، چسب شدن، چی به من می‌ماسه در ضمن صحبت افراد مورد بررسی نشان می‌دهد که منفعت‌های اقتصادی در روابط اجتماعی با دیگرانی که خارج از حوزه خانواده آن‌ها قرار دارند برایشان در اولویت می‌باشد.

ولی در ارتباط با خانواده آنان به دو دسته تقسیم می‌شدند: زنانی که حتی نسبت به اعضای خانواده خویش بی‌تفاوت و بی‌اعتنا بودند و این بی‌اعتنایی و نبود تعهد، بیش‌تر متوجه همسرانشان بود به عبارتی زنان روسپی مورد بررسی در این پژوهش که تجربه تأهل داشتند، تعهد داشتن نسبت به همسر خویش را یک امر مسخره می‌پنداشتند. حتی پاسخگوی شماره ۴ به خاطر روابط جنسی نامشروع با یکی از

دست یافت چنین بود که پوشش زنان مورد بررسی از مانتوهای تنگ با رنگ‌های زنده تا چادری با حجاب و به لحاظ نوع آرایش از آرایش‌های بسیار زنده تا صورت‌های بدون آرایش را در بر می‌گرفت. این موضوع نشان از درهم آمیختگی و اختلاط گروه‌های اجتماعی به لحاظ پوشش و آرایش دارد، بدین گونه نوع پوشش و آرایش در تشخیص تعلق زنان به گروه منحرفین جنسی کارآیی خویش را از دست داده است، مسأله‌ای که بر پیچیدگی و ابهام پدیده روسپیگری می‌افزاید.

ساختار ارزشی و نگرشی زنان روسپی از یافته‌های دیگر این پژوهش می‌باشد که به عنوان عاملی تعیین‌کننده برای سبک زندگی خاص آنان است. همان‌گونه که استیبنز بین ارزش‌ها، نگرش‌ها و ادراک شخصی با رفتارهای الگومند سبک زندگی پیوند برقرار می‌کند (استیبنز: ۳۴۹)، باورها و اعتقادات زنان روسپی در زندگی روزمره به عنوان عاملی پایدار در کنش و رفتار فردی و اجتماعی آنان محسوب می‌شود. یکی از این اعتقادات، باورهای مذهبی است. افراد مورد بررسی در این پژوهش به لحاظ اعتقادات مذهبی به سه دسته تقسیم می‌شدند: دسته اول زنانی که وجود خدا را منکر بودند (پاسخگوی شماره ۴ و ۹ و ۱۰)، دسته دوم گروهی بودند که نسبت به وجود خدا و ناظر بودنش رویه بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی را پیش گرفته بودند و به گفته خودشان نه کاری به کار خدا دارند و نه خدا کاری به کار آن‌ها دارد (پاسخگوی شماره ۵ و ۶ و ۷) و تعدادی نیز که به حضور خدا اعتقاد داشتند جهت برآورده شدن آرزوهای خود و یافتن آرامش به مناسک مذهبی استناد می‌جستند و به عبارتی به دین‌نگاهی ابزار گونه داشتند، دو نفر از پاسخگویان از مناسکی چون خواندن نماز و قرآن و نذر کردن حتی جهت موفقیت در رابطه نامشروع خود استفاده می‌کردند! (پاسخگوی شماره ۱ و ۲ و ۳ و ۸).

«خدا چیه؟ قیامت چیه؟ بابا اینا همش کشکه. بچسب به لذت..... نقدو به نسبه نده» (پاسخگوی شماره ۱۰).

زندگی خویش پیش برمی‌گزینند، تفریحاتی که زنان روسپی مورد بررسی در این پژوهش در جریان زندگی روزمره خویش بدان می‌پردازند، غیراخلاقی و ناپسند می‌باشد، گردش و رابطه با جنس مخالف، مشروب‌خواری، کشیدن قلیان و شرکت در پارتی‌های مختلط و کشیدن مواد مخدر، تفریحاتی است که توسط پاسخگویان بدان اشاره شد.

«آدم هر از گاهی به یه زنگ تفریح نیاز داره، حالا با یه پسر بیرون رفتن، گشت و گذار، هر از گاهی یه کوچولو شراب بخوری بدنت حال بیاد...»  
(پاسخگوی شماره ۱).

برقراری رابطه جنسی نامشروع از مهم‌ترین کدهایی است که در مسیر این پژوهش بدان نائل شدیم، اگرچه حضور این کد با توجه به موضوع مورد بررسی کاملاً بدیهی به نظر می‌رسد ولی کنکاش بیش‌تر در این رابطه نشان داد که زنان پژوهش حاضر بیشترین رابطه جنسی خویش را با کاسبان محله البته در مکانی دور از محله در ازای دریافت پول یا مجانی گرفتن احتیاجات روزمره و با افراد غریبه در ازای دریافت پول در منزل مشتری برقرار می‌دارند، تنها یکی از پاسخگویان (شماره ۳) در منزل خویش و در حضور همسرش به تن فروشی می‌پرداخت، البته به گفته وی، همسر او نیز متقابلاً همین رفتار را در پیش دارد و تأسفانگیز این‌که این رفتارها در مقابل دختر ۵ ساله آنها اتفاق می‌افتد! این زن و شوهر به افرادی که جهت برقراری رابطه با شریکان جنسی، همسر خویش را خواهر و برادر خود معرفی می‌کنند! برخی زنان مورد بررسی این پژوهش علاوه بر افراد غریبه با دوست شوهر، شوهر خواهر و حتی محارمی چون دایی ارتباط جنسی برقرار می‌کردند! که این روابط به جای پول نقد در ازای دریافت هدیه و یا حتی بدون آن برقرار می‌شد.

۸ مورد از زنان روسپی مورد بررسی اصطلاحات و افعال جنسی را رک و بی‌پرده و بدون هیچ قبحی بر زبان می‌آورند. در طی صحبت‌هایشان جوک‌هایی با محوریت جنسی به طور کلی و با مشتریان نیز برداشت شد. بر اساس نظریات بوردیو میزان بهره‌مندی افراد از انواع

اتباع خارجی که در همسایگی آنان بود با مشارکت وی همسرش را به قتل رسانده و چند سالی به کشوری دیگر گریخته بود. دو مورد از آنان حتی به فرزندان خویش به عنوان یک معضل می‌نگریستند (پاسخگوی شماره ۱ و ۴) و پاسخگوی شماره ۴ با دختر خویش که عقب‌مانده ذهنی نیز بود رفتاری بسیار پرخاشگرانه داشت. برای آنان فقط خودشان در محوریت توجه قرار داشتند.

«عشق! (پوزخند) تو زندگی یاد گرفتم به هر چی که باعث میشه آدم پایند بشه دوری کنم. یکی موادمخدر یکیم عشق و عاطفه. با هیچکی صمیمی نمیشم. تو زندگی باید بچسبی به خرمهرها و بکنی ازشون، فقط پول» (پاسخگوی شماره ۱).  
«فقط در حد خر کردن که بتونی پول بکشی ازشون، هیچ اشکالی هم نداره. آدم فقط خر خوب میخواد!» (پاسخگوی شماره ۱).  
«آدم باید حواسش باشه توله پس نندازه» (پاسخگوی شماره ۴).

گروه دوم زنانی بودن از به دلیل حس مسئولیتی که در قبال اعضای خانواده و به‌ویژه فرزندان خود می‌کردند و علاقه‌ای که به آنان داشتند جهت برطرف کردن نیازهای آنان تن فروشی را برگزیده بودند.

«من تحقیر می‌شم که داداشم جلو دوستاش تحقیر نشه (بغض)» (پاسخگوی شماره ۵)

دیدگاه دیگر فرد، نگرش نسبت به شیوع انحرافات جنسی می‌باشد. گمان این‌که افراد بسیاری به روسپیگری می‌پردازند از احساس گناه فرد می‌کاهد و در نتیجه به عادی شدن این عمل مذموم می‌انجامد.

«همه آدم‌هایی که دوروبر ما هستند حتی اونا که ادعاشون میشه که پاکن بدون استثنا حتی واسه یه مدتی هم شده رابطه جنسی با غریبه‌ها داشتند آخه چاره‌ای جز انجامش نیست باید نیازمون برآورده بشه دیگه...» (مصاحبه شماره ۱)

یکی از ابعاد قابل توجه سبک زندگی افراد چگونگی گذران اوقات فراغت و نوع تفریحاتی است که افراد در مسیر

طبق یافته‌های این پژوهش فقدان سرمایه اجتماعی درون گروهی و بین گروهی نیز از عوامل دیگری است که می‌تواند زمینه‌ساز روسپیگری باشد. امروزه با گسترش رویه شهرنشینی و فردیت، شاهد کاهش و از هم گسیختگی روابط گمیشافتی هستیم و بدین ترتیب که هم سرمایه اجتماعی درون گروهی نسبت به گذشته کاهش یافته و میزان سرمایه اجتماعی بین گروهی نیز در جامعه ناچیز است. در نتیجه این وضعیت همکاری و کمک به دیگران به دلیل فقدان اعتماد کاهش می‌یابد.

«اگه به حامی درست و حسابی داشتیم، هیچ وقت خیلی چیزا رو تجربه نمی‌کردم...» (پاسخگوی شماره ۵).

«سپورت کننده هیچ جا، هیچ خبری نیست، وقتی به مشکلی برات پیش میاد نزدیک‌ترین فامیلات ازت فاصله میگیرن که درگیر نشن، به خودشون میگن گور پدرش، مشکل خودش به خودش ربط داره. میبینن داری جلازولز می‌کنی ولی بی تفاوت از کنار ت رد میشن» (پاسخگوی شماره ۱).

«آدمای خیری که تو گذشته بودن، شاید اصلاً طرفو نمیدیدن اما نیازشو برطرف می‌کردن، وقتی آدم مطمئن باشه نیازش با سلامت تأمین میشه، راه سالم خودشو میره.» (پاسخگوی شماره ۶).

گسترش تحولات تکنولوژی‌های اطلاع‌رسانی و تنوع رسانه‌های در دسترس می‌تواند در گسترش اطلاعات بشر کارکرد بسیار مثبتی داشته باشد اما استفاده نادرست از آن نیز می‌تواند فرد را به وادی خطرناکی بکشاند. کژکارکردهای رسانه به صورت جزء جدایی‌ناپذیر سبک زندگی زنان مورد بررسی مشاهده شد. عضویت در شبکه‌های مجازی و سوء استفاده از آن در جهت پیشبرد مقاصد مرتبط با حرفه روسپیگری از جمله پیدا کردن مشتری، به نمایش گذاردن عکس‌های نیمه برهنه از خود در فضای مجازی به قصد تحریک جنسی مردان، دیدن فیلم‌های پورنو از ماهواره.

سرمایه‌ها از ارکان مهم مشخص کردن نوع سبک زندگی آنان است، سرمایه اقتصادی یکی از این نوع سرمایه‌هاست. همواره بر فقر به عنوان یکی از علت‌های روسپیگری تأکید شده و پول به طور قطع یکی از محرک‌های عمومی برای این انحراف است. آنچه این پژوهش بدان نائل آمد حکایت از آن دارد که به جز ۳ مورد از پاسخگویان که متعلق به طبقه پایین بودند و برای گذران زندگی به روسپیگری روی آورده بودند، پاسخگویان دیگر در وضعیت اقتصادی متوسط قرار داشتند، ولی نکته قابل توجه این‌که، خود وضعیت اقتصادیشان را بدتر از آنچه بودند، ارزیابی می‌کنند و این نشأت گرفته از مقایسه خود با افرادی با طبقه اقتصادی فراتر است. بنابراین در این پژوهش فاصله طبقاتی به عنوان عامل مهمی در گرایش افراد به وادی انحراف شناخته شد. به علاوه محوری شدن نیازهای ثانویه و گرایش به مد و مصرف از دیگر عواملی است که در این زمینه نقش مهمی بازی می‌کند. همان‌گونه که تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهد اگرچه سابقاً روسپیگری جهت برآورده شدن نیازهای اولیه بود اما متأسفانه اکنون برای رسیدن به نیازهای ثانویه و لوکس صورت می‌گیرد.

توجه به زندگی شغلی پاسخگویان نیز حائز اهمیت است. برخی از آنان به رغم آن‌که در گذشته شغل‌هایی داشتند اما پس از روی آوردن به حرفه روسپیگری دیگر حاضر نبودند که به کارهای پیشین بازگردند و اعلام به سختی کار و حقوق پایین آن داشتند و ترجیح می‌دادند که حرفه فعلی خویش یعنی روسپیگری را ادامه دهند برای مثال پاسخگوی شماره ۱ در مناصب شغلی گوناگونی مشغول بوده است. کارمند حوزه علمیه، حراست دانشگاه، معلم نهضت، بازاریاب، فعالیت موسیقی. وی اظهار داشت که «دیگه حاضر نیستم به خودم سختی بدم، این جور راحتی‌ترم.» و برخی از آنان نیز در شغل‌هایی همچون منشی‌گری شاغل بودند ولی به گفته آنان چون حقوقشان کفاف مخارج زندگی را نمی‌داد، شغل دومی به نام تن‌فروشی را برگزیده بودند و تأمین معیشت می‌کردند.

جدول ۲- مثالی از روند استخراج یک کد تبیینی از کدهای تفسیری و توصیفی

کد تبیینی	کدهای تفسیری	زیرکدهای تفسیری	کدهای توصیفی
مدیریت ظاهر	نوع پوشش	مدیریت بدن	جراحی بینی تتو و هاشور ابرو تلاش برای کاهش وزن از طریق قرص تلاش برای حفظ تناسب اندام از طریق ورزش رژیم‌های غذایی استفاده از ژل‌های حجم‌دهنده پوشیدن مانتوهای تنگ با رنگ‌زننده پوشیدن مانتوهای بسیار تنگ در زیر چادر سر کردن چادر نازک چادر آرایش‌های تند و زننده به ویژه رژلب‌های پررنگ استفاده از وسایل آرایشی مارک‌دار و گران‌قیمت بدون آرایش صورت در مکان‌های عمومی
		نگاه ابزارگونه به دین	رعایت حجاب برای حفظ شغل رفتن هفتگی به مزار شهدا برای گرفتن حاجت رفتن به زیارتگاه‌ها برای رسیدن به آرامش خواندن نماز فقط در هنگام بروز مشکل خواندن سوره‌هایی از قرآن برای حاجت گرفتن رفتن به مراسم روضه‌ای که شام می‌دهند اجتناب از هرگونه دلبستگی و پیوند عاطفی در روابط سرکیسه کردن مردان به دنبال پیدا کردن مردانی که به لحاظ اقتصادی قوی باشند. فریب دختران جوان و گرفتن پول از مردان جهت واسطه‌گری طبیعی بودن نیاز جنسی و ارضای آن به هر طریقی تلقی اغوا کردن و فریب دادن مردان به مثابه توانمندی زن اعتقاد به شیوع رابطه جنسی نامشروع در بین همگان حتی در برهه‌ای کوتاه از زندگی اعتقاد به شیوع پدیده اتو زدن در بین همگان عدم سخت‌گیری بر رابطه جنسی نامشروع فرزندان رقابت شدید با دیگر زنان روسپی در جلب مردان متقاضی و گرفتن پول احساس لذت از روابط جنسی متعدد عدم احساس گناه یا عذاب وجدان
		نگاه منفعت طلبانه به روابط اجتماعی	
		نگرش نسبت به روابط جنسی نامشروع	

سبک زندگی زنان روسپی

تفسیری



## نقش خانواده

کد تبیینی دیگری که در این پژوهش حاصل شد «نقش خانواده» است که در ذیل آن، نقش تربیتی خانواده، عدم توازن قدرت در خانواده و نقش همسر در پدیده روسپیگری مورد بررسی قرار می‌گیرد. خانواده اولین نهادی است که آدمی در آن چشم می‌گشاید و در آن پرورده می‌شود. خانواده در جهت‌دهی باورها، ارزش‌ها و نمادهای مورد قبول یک جامعه نقش بسزایی دارد، و از این رو زمینه‌همنوایی فرد با اعضای جامعه را فراهم می‌سازد (قاسمی روشن، ۱۳۸۱: ۱۴). بنابراین لوح سفید ذهن و هویت آدمی اولین و پایدارترین نگاره‌هایش به واسطه خانواده قلم می‌خورد. نقش خانواده در ساختن آدمی آن‌چنان بزرگ است که هیچ موفقیت یا شکست فردی نیست که بدان وابسته نباشد به همین ترتیب هیچ انحرافی نیست که کم یا زیاد ریشه در این نهاد اساسی نداشته باشد. در این پژوهش نیز همین مطلب کاملاً اثبات شد، بدین گونه نتایج مصاحبه‌ها حکایت از آن دارد که فقدان کنترل اجتماعی از جانب خانواده، پیوند خانواده با بزهکاری، تجربه آزار جنسی در کودکی و آشنایی نامناسب با مسائل جنسی رد پای عمیق در به وادی تن فروشی کشیدن پاسخگویان دارد.

بی‌تفاوتی و سهل‌انگاری والدین نسبت به روابط اجتماعی فرزندان خویش در صحبت‌های ۵ مورد از سوژه‌های پژوهش حاضر به گونه‌ای پررنگ به چشم می‌آید. این‌که فرزند با چه کسانی در رفت و آمدند و آیا این روابط شکل صحیح و سالمی دارد یا نه بسیار مهم است. روابطی که از چارچوب و حد متعارف و صحیح خود گذر کند و به سوی رفتارهای غیراخلاقی حرکت، پیامدهایی به بار می‌آورد که جبران کردنی نیست. روابط دوستی با پسر، رفت و آمدهای متعدد خانوادگی با دوستان پدر، شرکت در پارتی‌های شبانه و کشیدن مفرط قلیان دختر و همجواریان مرد در میهمانی‌ها، بیرون ماندن از منزل تا پاسی از شب مؤلفه‌هایی بود که در طی این پژوهش مشاهده شد. برای مثال یکی از پاسخگویان می‌گوید:

«پدر و مادرم کاری به کارم نداشتند، که مثلاً با کی دوستم، پسر، دختر. بوده که ساعت ۲ و ۳ شب برگشتم خونه کسی چیزی بهم نگفته. خب تا اونوقت شب کجا بودی؟ زیاد با دوست پسر میرفتیم شرکتش، یه شرکت خصوصی داشت که واسه خودش بود». (پاسخگوی شماره ۲).

«دوست پسر زیاد داشتم. نه نه، بابا رو هم که خرشون می‌کردم. واسشون چرت و پرت می‌بافتم می‌پیچوندمشون. در کل زیادم پیگیر کارام نبودن فک نمی‌کردن نور چشمیشون با پسرا بچرخه». (پاسخگوی شماره ۳).

همان‌گونه که از نقل قول اخیر مشخص است یکی از دلایل بی‌توجهی به نوع روابط فرزندان اعتماد بیش از حد والدین به فرزندان‌شان می‌باشد، دلیل دیگری که توسط ۲ نفر از پاسخگویان بیان شد چنین می‌باشد که والدین به دلیل فرزندان زیاد فرصت رسیدگی و مراقبت و نظارت بر امور فرزندان را نداشتند. دلیل دیگر را نیز دغدغه‌های اقتصادی مادر به دلیل زن سرپرست خانوار بودن رقم می‌زند.

پیوند اعضای خانواده با بزهکاری یافته مهم دیگر این پژوهش است. همان‌گونه که ساترلند در نظریه پیوند افتراقی می‌گوید: بر اساس الگوی انتقال فرهنگی، رفتارهای غیرقانونی از طریق کنش متقابل به دیگران آموخته می‌شود (کلاتری و دیگران، ۱۳۸۴: ۷۲). بنابراین نظریه، نزدیکان و همالانی که بزهکار باشند، تأثیر زیادی بر تشکیل و تقویت نگرش بزهکاری می‌گذرانند و فرد را به سوی بزهکاری سوق می‌دهند. نظریه پیوند افتراقی محتوای اجتماعی بزهکاری را در نظر دارد و فرد بزهکار را در جایگاه اجتماعی و از حیث رابطه‌اش با خانواده، محله، رفقا و مصاحبان در نظر می‌گیرد. پدر معتاد و منحرف جنسی (پاسخگوی شماره ۲)، خواهر قاچاقچی مواد مخدر و منحرف جنسی (پاسخگوی شماره ۹ و ۶) در بین مصاحبه‌شوندگان مشاهده شد.

بردار و بگذار است مهربانی است پخمه! (سخنان سوژه ۱) اندیشه‌اش هیچ نمی‌ارزد و تنها بدنش دیده می‌شود و غیرممکن نیست اگر چنین دختری تن فروش شود! نقش همسر و ازدواج نامناسب بستر زمینه‌ساز دیگری برای روسپیگری است که در این پژوهش نیز دیده شد. ازدواج و بستن پیوند زناشویی گامی است در جهت ساختن خانواده‌ای جدید که تأثیرش بر هریک از افراد کم از خانواده پدری نیست. که اگر بر مبنای عقلانیت و عشق صورت نگیرد، آسیب‌های جدی‌ای به جامعه وارد می‌آورد. ازدواج مصلحتی، ازدواج غیرمتعارف و ازدواج اجباری از این نوع پیوندهاست که در این پژوهش نیز مشاهده شد.

تحقیر شدن توسط همسر، کمبود محبت و جریحه‌دار شدن غرور توسط همسر که تحت لوای کد خلاً عاطفی-حمایتی از جانب همسر قرار می‌گیرد، شرایط سختی به لحاظ روحی-روانی بر فرد تحمیل می‌کند. براساس نظریه ساترلند، انحراف همسر نیز از عواملی دیگر است که فرد را به وادی انحراف می‌کشاند. تجاوز و بی‌مبالاتی جنسی، لابی‌گری، رفتارهای غیراخلاقی، اعتیاد و ... از جمله انحرافات اخلاقی-جنسی همسر سوژه ۱ بوده است که علاوه بر تحریک کردن انگیزه انتقام‌گیری، می‌تواند در از بین بردن قبح انحراف نیز مؤثر باشد.

«دوستانم مهمانم بودند و شب هم در منزل ما ماندند، نیمه‌های شب که بیدار شدم همسرم پیش دوستم بود!» (سوژه شماره ۱).

### داغ ننگ

به تعبیر گافمن داغ ننگ برای اشاره به ویژگی یا صفتی به کار برده خواهد شد که شدیداً بدنام کننده یا ننگ‌آور است. وی از سه نوع داغ ننگ سخن می‌گوید: اولین نوع، زشتی‌ها و معایب مربوط به بدن هستند. نوع دوم، نواقص و کمبودهای مربوط به شخصیت فرد را شامل می‌شوند و نوع سوم داغ ننگ قومی و قبیله‌ای می‌باشد. اما باید توجه نمود که قدرت داغ زنی یک

تجربه آزار جنسی در کودکی (سوژه ۲) توسط پدر و دوست خانوادگی! تأسف انگیزترین کدی می‌باشد که در این پژوهش به دست آمد. تجربه‌ای که در خانواده‌ای که مقدسش می‌خوانیم بعید و باورناکردنی به نظر می‌رسد. بنابراین از دختری که نخستین قبح‌شکنی را توسط پدر خویش تجربه می‌کند، آنگاه که انتظار می‌رود حامی ناموس خویش باشد! آنگاه که قدرت پدر که می‌بایست اتکایی باشد برای هراس‌های دختر، حیای او را در زیر پای شهوت خود له می‌کند، بی‌انتظار نیست که بدن بکر خویش را به بهای پول و لذت بفروشد!

آشنایی زود هنگام با مسائل جنسی در کودکی به شیوه نادرست، کد دیگری بود که در مسیر این پژوهش به دست آمد. از آن‌جا که به مسائل جنسی همواره در جامعه ما به عنوان تابو نگریسته شده، شناخت چندانی درباره آموزش فرزندان در این زمینه وجود ندارد و در بسیاری از موارد اصلاً آموزشی داده نمی‌شود. اما غافل از این که کنجکاوی کودکان و نوجوانان به‌ویژه در زمینه‌ای که علامت ورود ممنوع به خود می‌گیرد موجب می‌گردد به گونه‌ای نادرست از مسائل جنسی آگاهی یابد و زمینه برای بروز ناهنجاری‌ها فراهم آید.

عدم توازن قدرت در نهاد خانواده در پیشینه خانوادگی تعدادی از پاسخگویان مشاهده شد. زن سالاری در خانواده یکی از پاسخگویان مشاهده شد، اما آن روی سکه عدم توازن قدرت یعنی مردسالاری دردی بود که تعداد بیشتری از مصاحبه‌شوندگان را می‌آزرد. آن‌گاه که تصمیم‌گیری خانواده دموکراتیک باشد، هر یک از افراد احساس با ارزش بودن می‌کنند، می‌دانند بها دارند، دیده می‌شوند، مهم‌اند، می‌دانند زن بودن ارزشی همپای مرد بودن دارد. به فرزندان آموخته می‌شود تنها جسم زن نیست که دیده می‌شود بلکه اندیشه‌اش به مراتب قیمتی‌تر است. اما خانواده‌ای دیکتاتورمآبانه که مردسالاری چون قانونی است نقض کردنش تصور ناشدنی، پسرانی می‌پرورد با نگرشی مبتنی بر برتری جنسی و دخترانی که فرودستی زن در ذهنشان نقش بسته، نگرشی که زن پبز،

می‌خورن حالا برا من جانماز آب می‌کشن. برن  
گم‌شن همشون، منم میدونم چه‌طوری حالشونو  
بگیرم.  
- چه‌طوری؟  
- (خنده) با سرکیسه کردن شوهراشون» (پاسخگوی  
شماره ۱۰).

### ویژگی مردان متقاضی

مردان، شرکای جنسی زنان منحرف جنسی به عنوان  
متقاضیانی که عرضه حرفه تن‌فروشی را پابرجا می‌دارد، گاه به  
طور محسوسی از نظر دور نگاه داشته می‌شوند. در لابلای  
صحبت‌های زنان مورد بررسی در این پژوهش، نکات قابل  
توجهی در باب این مردان به دست آمد. پایگاه اقتصادی-  
اجتماعی مردان متقاضی یکی از کدهای حاصل شده می‌باشد.  
موضوع تأمل برانگیز و هشداردهنده، شیوع انحرافات جنسی  
در بین لایه لایه‌های مختلف جامعه است، به گونه‌ای که  
مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش از دکتر، مهندس، دانشجو،  
نانو، مغازه‌دار (سوپر مارکت)، مکانیک و حتی روحانی  
متقاضی سخن گفتند. به‌علاوه این‌که متقاضیان از طبقه  
اقتصادی متوسط و بالا بودند که اگر چه این مسأله قابل تعمیم  
نیست، اما نشان از این دارد که زنان روسپی در جستجوی پول  
هستند. به گفته مصاحبه‌شوندگان، آنان در حرفه خود به اولین  
چیزی که توجه می‌کنند، پول مشتریان نشان است!

به لحاظ سبک زندگی می‌توان به انحرافات اخلاقی-  
جنسی متقاضیان و وضعیت روحی- روانی آن‌ها اشاره دارد.  
مشروب‌خواری، روابط نامشروع متعدد، انحرافات اخلاقی-  
جنسی مردان منحرف جنسی و مشکلات و بیماری‌های  
جنسی و آشفتگی روحی وضعیت سلامتی مردان متقاضی را  
تشکیل می‌داد.

### جمع‌بندی

روسپیگری نوعی زندگی خطرناک و سخت است که به سبب  
آمیختگی دلایل چندگانه فردی، خانوادگی و ساختاری در

صفت نه در ذات خویش بلکه در روابط اجتماعی ریشه دارد.  
بدین معنا وقتی مهرداغ ننگ بر پیشانی فرد حک می‌شود و  
فرد مشاهده می‌کند که به معنای واقعی مورد پذیرش قرار  
نمی‌گیرد و دیگران برای برقراری ارتباط با وی در زمینه‌های  
برابر آمادگی ندارند روابط خود را تنها به افرادی که متعلق به  
یک دسته اجتماعی خاص هستند و با شرایط او منطبقند،  
معطوف می‌دارد (گافمن، ۱۳۸۶: ۳۷-۳۲). روسپیگری به عنوان  
یک انحراف جنسی ضد ارزش و ضد اخلاق به ویژه در  
جامعه ایرانی- اسلامی ما، با قرار گرفتن در نوع دوم داغ ننگ  
گافمن از قدرت داغ زنی بسیار بالایی برخوردار است و با  
برچسب زدن به عنوان صحنه نهایی یک فرایند اجتماعی  
می‌داند که زنان را هدف می‌گیرد و آن‌ها را از جریان اصلی  
جامعه محروم می‌کند. این برچسب به صورت قدرتمندی بر  
فرد احاطه دارد و توسط آن‌ها درونی می‌شود و آنان را به  
وادی حرفه‌ای تری می‌کشاند (Levin & Peled, 2011: 584).  
بدین ترتیب زنان روسپی مورد بررسی در این پژوهش همه  
مشمول داغ ننگ و جدایی از جرگه انسان‌های عادی می‌باشند  
و در اکثریت موارد این موضوع سبب پیشرفته شدن آنان در  
مسیر انحرافات جنسی و حتی برانگیختن حس انتقام‌جویی در  
آنان شده است، بدین جهت که وقتی فرد به طور رسمی و در  
انظار عمومی به عنوان مجرم شناسایی می‌شود، هویت فرد نزد  
خویش تغییر می‌کند و او در باره خود همان‌گونه فکر می‌کند  
که در برچسب‌ها مطرح شده است. این تصویر ذهنی رفتار  
فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد و در مراحل بعد از برچسب‌ها  
به سهولت مرتکب رفتار جنایی و بزهکارانه می‌شود (Lemet,  
1951; Becker, 1973).

«۱۱، ۱۲ سالم بود که با پسر همسایمون دوست شده  
بودم، همه فهمیدن اینقدر زبون به زبون چرخید که  
دیگه حتی تو محالای دور و برم دیگه می‌شناختم.  
دیگه آبروم رفته بود منم گفتم وقتی همه میگن من  
..... ام. بذار منم ..... بشم». (پاسخگوی شماره ۲).  
«یه جوری نگات می‌کنن که انگار خودشون قدیسه  
هستن، خودشون معلوم نیس تو خلوتشون چه ....



نمی‌یابند یا عاقلانه نمی‌پندارند! همان‌گونه که لیو (۲۰۱۲: ۳۲۹) می‌گوید برخی از زنان ممکن است که حرفه روسپیگری را صرفاً به دلیل پاداش‌های مالی بالا انتخاب کنند و بسیاری از آنان تعمداً جهت اجتناب از کار روتین و سختی یک کار شغل قانونی وارد این وادی می‌شوند. بنابراین مسأله فقدان شغل نیست بلکه سطح پایین حقوق است. روسپیگری به عنوان یک انتخاب عقلانی محسوب می‌شود که در قبال تلاش کم، آسان به پول دست یابند.

«لذت جنسی» که در بسیاری از پژوهش‌های انجام گرفته درباره روسپیگری از فقدان آن در روابط جنسی زنان روسپی با مردان مشتری صحبت می‌شد، در این پژوهش در بیش از نیمی از مصاحبه‌شوندگان وجود داشت قابل ذکر این‌که این‌که زنان در حرفه خویش همبستران خویش را انتخاب می‌کردند؛ به گونه‌ای که آنان صراحتاً از روابط جنسی خود با متقاضیان اعلام رضایت و کسب لذت جنسی می‌کردند و حتی هدف خویش برای انجام این رابطه را کسب لذت جنسی، تنوع طلبی جنسی و لذت از سکس‌های گروهی می‌دانستند (پاسخگوی شماره ۱ و ۳ و ۱۰)، رابطه‌ای که علاوه بر کسب لذت، پول هم در قبالش دریافت می‌شد و این در منطق آنان معامله پرسودی به شمار می‌رفت. اما دو پاسخگوی ۵ و ۶ که برای گذران زندگی به لحاظ مالی در مضیقه بودند از تن فروشی خویش نه تنها لذت نمی‌بردند بلکه فشار روانی سختی را نیز تحمل می‌کردند. نتیجه این‌که هرگاه روسپیگری جهت برآوردن نیازهای ثانویه صورت گیرد و طبقه اقتصادی زن روسپی بالاتر رود، روند انتخاب و گزینش مشتریان افزون‌تر و به تبع آن کسب لذت جنسی از این رابطه برای زن تن‌فروش بیش‌تر می‌شود.

سبک زندگی‌ای که افراد در مسیر تجربه زیسته خویش در پیش می‌گیرند تعلق آنان به گروه‌های اجتماعی‌ای که در آن عضویت دارند را مشهود می‌سازد، سبک زندگی زنان روسپی نیز خاص گروه خودشان است، سبک زندگی که از منظر بورديو متأثر از ذائقه و ذائقه پیامدمنش و منش محصول

بروز آن، فرار قربانیان از این گرداب سهمگین بسیار دشوار می‌نماید (Cimino, 2012:1248). پدیده‌ای توأم با تحقیر، تهدید، ارعاب، آزار زبانی و جنسی، شی‌انگاری و خشونت مفرط فیزیکی علیه زنان روسپی (Farley & Colleguse, 2005:244). پدیده‌ای که در زیر پوست جامعه ما قدرتمندانه در حال زیستن است و چون گردابی ترسناک نه تنها تمامی هویت زن را در خویش فرو می‌بلعد بلکه جامعه‌ای را در تنفس مرگبار خویش به تباهی می‌کشانند، عرصه‌ای که گستره مصادیق بسیار است و درجات متعددی را در خود جای داده است، از روسپی سطح پایین گرفته تا روسپی سطح مشخص. درجاتی که با صعودش هویت زن را به نزول می‌کشانند. به اعتقاد سیمون دوبووار کلمه «روسپی مشخص» برای نمایاندن تمام زن‌هایی است که نه تنها با پیکر خود بلکه با تمام شخصیت خود چون سرمایه‌ای خاص بهره‌برداری می‌کند. زن در این راه موفق می‌شود که نوعی استقلال کسب کند، پولی که گرد می‌آورد، نامی که شهره می‌کند، همان‌طور که کالایی را مشهور می‌کند، برای او استقلال به عمل می‌آورد. بزرگ‌ترین بدبختی او این است که نه تنها استقلال او آن روی دروغین سکه هزار وابستگی است، بلکه این آزادی هم منفی است. تمساحی که روسپی باید لذت، عشق و آزادی خود را فدایش کند، حرفه‌اش است (کامکار و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۲). تبادل عرضه و تقاضای تن فروشی بین زنان متعلق به طبقات اقتصادی پایین و متوسط با مردانی از طبقه اقتصادی متوسط رو به بالا و بالا باز هم پای دلایل اقتصادی را به میان می‌کشاند، اما باید بدین نکته اشاره کرد که فروش تن چون گذشته نه به جهت تأمین نیازهای اولیه که در اکثریت موارد با هدف رسیدن به موفقیت مادی‌ای که تصویر مطلوب ثروت را تا اندازه‌ای به تحقق درآورد انجام می‌گیرد، وضعیتی که بر نظر دورکیم، کوئینگ و مرتون صحه می‌گذارد. بدین ترتیب این پژوهش چون تحقیقات بسیار دیگر نشان داد که همه زنان درگیر روسپیگری مبتلا به فقر نیستند بلکه آنان با تأیید هدف موفقیت مادی، فرصت استفاده از ابزارهای مشروع رسیدن به ثروت را یا

دلیل دغدغه‌های زندگی از عوامل سوق دادن فرزندان به دنیای روسپیگری به شمار می‌رود. فقدان پیوند عاطفی بین فرزند و والدین، بی‌بند و باری جنسی والدین، اعتیاد والدین از جمله دیگر عواملی است که در بروز این انحراف بر دوش نهاد خانواده سنگینی می‌کند. بدین ترتیب آموزش به خانواده‌ها به عنوان اولین راه پیشگیری از ایجاد و پیشروی روسپیگری طلایه‌دار می‌باشد. برنامه‌ریزی هوشمندانه برای محتوای رسانه‌ها به‌ویژه تلویزیون به دلیل همه‌گیر بودن مخاطبان، برگزاری دوره‌های آموزشی رایگان در مساجد و مؤسسات مردمی، برنامه‌ریزی دقیق محتوایی و نظارت اجرایی بر جلسات اولیا و مربیان در مدارس در جهت آموزش تربیت صحیح فرزندان و چگونگی رفتار با فرزندان به‌ویژه فرزند دختر به والدین به‌ویژه در مناطقی که فقر اقتصادی و فقر فرهنگی به طور توأمان حضور دارد می‌تواند مؤثر واقع گردد.

تقویت اجتماعات محلی با سردمداری افرادی که اهل درایت و دانش هستند، جهت زدودن ناشناختگی و گم‌شدگی‌ای که بی‌محابا سر بر رشد گذارده می‌تواند با افزایش یک کنترل صحیح بر افراد و کمک و راهنمایی به موقع از بروز بسیاری از انحرافات در بین جوانان محل جلوگیری به عمل آورد. به‌علاوه این‌که رویه نظارت‌کنندگان اجتماعی در مقابله با این پدیده حائز اهمیت زیادی می‌باشد به گونه‌ای که هر گونه رفتار نامناسبی به خوردن برچسب بر فرد در مراحل اولیه انحراف شود باعث پیچیده‌تر شدن و تکرار مداوم رفتار انحرافی توسط فرد منجر می‌شود به عبارتی فرد با این تصور که آبروی رفته دیگر باز نمی‌گردد و اعضای جامعه دیگر به گونه سابق پذیرای آن‌ها نیستند بیش‌تر غرق در وادی ناهنجاری می‌شود.

بدین ترتیب تن‌فروشی پدیده‌ایست چون توده سرطانی که هرگونه بی‌تفاوتی، غفلت و کوچک‌ترین رفتار نادرست به ریشه دوانیدن و پیشروی سریع آن می‌انجامد. پدیده‌ای که به دلیل پیوند عمیقش با نهاد خانواده مسؤولیت تک تک افراد را

جایگاه فرد در ساختارهای عینی اجتماعی است، به عبارتی سبک زندگی محصول نظام‌مند منش است که از خلال رابطه دو جانبه خود با رویه‌های منش درک می‌شود و تبدیل به نظام نشانه‌هایی می‌گردد که به گونه‌ای جامعه‌ای مورد ارزیابی قرار می‌گیرد برای مثال قابل احترام یا ننگ‌آور. بدین معنا سبک زندگی مفهوم ثقیلی است که دامنه‌اش از ذهنی‌ترین تا عینی‌ترین کنش آدمی را در برمی‌گیرد، بدین معنا زنان روسپی در مسیر زندگی خویش، ارزش‌ها و نگرش‌ها، آداب خوردن، صحبت کردن، شیوه‌های معاشرت، تفریحات و میزان بهره‌مندی فرد از انواع سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی متفاوتی را تجربه می‌کنند. گاه این زنان جلوه‌های متضادی از ارزش‌ها را به گونه‌ای شگفت‌انگیز در خود درونی می‌کنند.

«وقتی بهم می‌ریزم دیگه به ته خط می‌رسم یا قرآن می‌خونم یا مشروب می‌خورم. هر هفته یکشنبه‌ها هم می‌رم سر مزار شهدا حاجت می‌ده». (پاسخگوی شماره ۱).

روسیگری نتیجه از اعتدال خارج شدن نیازهایی است که از کانال صحیح منحرف شده‌اند، و این وضعیت ریشه در گذشته‌های زن روسپی دارد گذشته‌هایی که گاهی تا قبل از تولد وی نیز می‌رسد. «خانواده» به عنوان فراهم‌کننده بستر کشت و رشد روسپیگری مهم‌ترین نقش را عهده‌دار شده است. آموزه‌هایی که یک فرد به‌ویژه در سنین حساس کودکی و نوجوانی از فضای خانواده فرا می‌گیرد اصلی‌ترین بدنه سبک زندگی فرد را تشکیل خواهد داد. باز و بی‌پرده بودن فضای جنسی که سبب آشنایی زود هنگام و غیر صحیح دختر با مسائل جنسی گردد از یک‌طرف و فقدان هر گونه آموزش جنسی به فرزند که زمینه‌ساز به‌دست آوردن اطلاعاتی گاه غیرواقعی از منابع دیگر در زمینه مسائل جنسی می‌شود، موجبات انحراف دختر را ایجاد می‌کند. عدم کنترل صحیح بر رفتار و روابط و به طور کلی تمامی جنبه‌های زندگی فرزند به دلایلی چون زیاد بودن تعداد فرزندان، اعتماد بیش از اندازه بر فرزندان، سالخورده بودن والدین، غافل شدن از فرزندان به

کامکار، م. و دیگران. (۱۳۸۳). «روسپیگری و بی‌مبالاتی جنسی، تفاوت و تشابه، روسپیگری، کودکان خیابانی و تکدی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی آسیب‌های اجتماعی در ایران، نشر آگه، جلد پنجم.

کلانتری، ص. و دیگران. (۱۳۸۴). «ارتباط فقر با قانون گریزی و شکل‌گیری آسیب‌اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال پنجم، ش ۱۸، صص ۶۵-۹۰.

گافمن، ا. (۱۳۸۶). داغ‌نگ، چاره‌اندیشی برای هویت ضایع شده، ترجمه: مسعود کیانپور، تهران: انتشارات نشر مرکز.

محمدپور، ا. (۱۳۹۰). روش تحقیق کیفی، ضد روش ۲: مراحل و رویه‌های علمی در روش‌شناسی کیفی، انتشارات جامعه‌شناسان، جلد ۲.

مشکانی، م. و مشکانی، ز. (۱۳۸۱). «سنجش تأثیر عوامل درونی و بیرونی خانواده بر بزهکاری نوجوانان (آزمون تجربی نظریه ترکیبی کنترل اجتماعی و پیوند افتراقی)»، مجله جامعه‌شناسی ایران، ش ۲، صص ۳-۲۵.

مهاجر، ف. (۱۳۸۰). «فمینیست‌ها و مسأله روسپیگری»، نشریه فصل زنان، شماره یازدهم، صص ۲۱-۳۳.

نرسیسیانس، ا. (۱۳۸۳). مردم‌شناسی جنسیت، ترجمه: بهمن نورزاده چگینی، تهران: نشر افکار: سازمان میراث فرهنگی (پژوهشگاه)، معاونت آموزشی، پژوهشکده مردم‌شناسی.

وروایی، ا. و دیگران. (۱۳۸۹). «بررسی تأثیر عوامل اقتصادی بر گرایش ناهنجاری اجتماعی و راهکارهای انتظامی- اجتماعی پیشگیری از آن (مطالعه موردی: روسپیگری خیابانی)»، فصلنامه علمی- پژوهشی انتظام اجتماعی، ش ۱، صص ۱۲۵-۱۵۷.

در زدودنش می‌طلبد و مسؤولیت صاحب‌قدرتان، سیاستمداران و برنامه‌ریزان آموزشی و اجتماعی را صدچندان می‌کند.

## منابع

احمدی، ح. (۱۳۷۸). «رهیافت نظری ترکیبی در تبیین انحرافات اجتماعی»، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۳۲، صص ۱-۱۶.

حاجی‌زاده میمندی، م. (۱۳۸۶). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر آسیب‌دیدگی جنسی بانوان (با تأکید بر روسپیگری)، سازمان بهزیستی استان یزد.

دادخواه، ا. (۱۳۸۴). عوامل مؤثر بر روسپیگری زنان در ایران، سایت جمهوری، ۱-۱۱.

رونالد، م. (۱۳۷۴). اخلاق و دین در مجموعه فرهنگ و دین، ترجمه: صادق لاریجانی، تهران: انتشارات طرح نو.

ریموند، ج. (۱۳۸۷). «۱۰ دلیل برای قانونی نشدن روسپیگری»، نشریه سیاحت غرب، ش ۶۳، صص ۲۱-۲۹.

سلیمی، ع. و داوری، م. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی کجروی، زیر نظر غلامرضا صدیق اورعی، چاپ دوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

سیفی، ف. (۱۳۸۶). روسپیگری از دیروز تا امروز، سایت جامع آثار فمینیست، ۱-۷.

فرجاد، م. (۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، دفتر تحقیقات و انتشارات بدر، چاپ ششم.

فرمانفرمایان، س. (۱۳۴۹). پیرامون روسپیگری در شهر تهران، تهران: آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی، چاپ دوم.

قاسمی روشن، ا. (۱۳۸۱). «توانمندی خانواده در پیشگیری انحرافات اجتماعی»، فصلنامه کتاب زنان، ش ۱۷، صص ۱۱-۳۳.

- Prostitution", *Journal of Research on Social Work Practice*, Vol. 21, No. 5, P. 582-593.
- Liu, M. (2012) "Chinese Migrant Women in the Sex Industry: Exploring Their Paths to Prostitution", *Journal of Feminist Criminology*, Vol. 7, No. 4, P. 327-349.
- Mitchell, J. Finkelhor, D. Wolak, J. (2010) "Conceptualizing Juvenile Prostitution as Child Maltreatment: Findings from the National Juvenile Prostitution Study", *Journal of Child Maltreatment*, Vol. 15, No. 1, P. 18-36.
- Monto, A. (2004) "Female Prostitution, Customers and Violence", *Journal of Violence Against Women*, Vol. 10, P. 160-188.
- Roe-sepowitz, E. (2012) "Juvenile Entry Into Prostitution: The Role of Emotional Abuse", *Journal of Violence Against Women*, Vol. 18, No. 5, P. 562-579.
- ولد، ج. و دیگران. (۱۳۸۰) *جرم‌شناسی نظری*، ترجمه: علی شجاعی، تهران: انتشارات سمت
- Cimino, N. (2012) "A Predictive Theory of Intentions to Exit Street -Level Prostitution", *Journal of Violence Against Women*, Vol. 18, No. 10, P. 1235-1252
- Farley, M. Lynne, J. Cotton, J. (2005) "Prostitution Vancouver and the Colonization of First Nations Women" *Journal of Transcultural Psychiatry*, Vol. 42, No. 2, P. 242-271.
- Karandikar, S. (2011) "A Qualitative Examination of Women Involved in Prostitution in Mumbai, India. The Role of Family and Acquaintances", *Journal of Information Social Work*, Vol. 56, No. 4, P. 496-515.
- Levin, L. Peled, E. (2011) "The Attitudes Toward Prostitutes and Prostitution Scale :A New Tool for Measuring Public Attitudes Toward

Archive of SID